

# سفرنامه بهلر

● منصور چهرآزی



۱۵۵۲

## سفرنامه بهلر

(جغرافیای رشت و مازندران)

تألیف

مسیو بهلر

(در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار)

به کوشش: علی اکبر خدایپرست

■ سفرنامه بهلر (جغرافیای رشت و مازندران)

■ تألیف: مسیو بهلر

■ به کوشش: علی اکبر خدایپرست

■ ناشر: توس، تهران، ۱۳۵۶.

را برای به خدمت گرفتن افسران فرانسوی بهفرانسه اعزام نمود، پس از ورود آنان، موسیو بهلر با درجسرتیبی به استخدام نیروهای نظامی ایران درآمد و سفرنامهاش را پس از انتصاب به این سمت به رشتهتحریر در آورد.<sup>۱</sup>

این سفرنامه همان گونه که خود آورده است «شرحتفتیشات نظامی» است «این مختصری است از تفصیل حصول و نتایج تفتیشات نظامی و غیره که حسبامراسرکار اعلیحضرت شاهنشاه روحنا و روحالعالمین فدا، این بنده درگاه، موسیو بهلر، سرتیب و مهندس دولتعلیه در سفر و ماموریت از دارالخلافه الی رشت و انزلی و کنار دریا و مراب، الی مازندران و استرآباد و رود گرگان اراق قلمه الی خواجه نفس و گمش تپه دیده و از روی دقت رسیدگی کرده و حال که مراجعت نموده معروض می‌نارم». البته بهلر مسیر «ساری» تا «تهران» را به دلیل کسالت نتوانسته است به خوبی توصیف نماید: «و چون به واسطه ناخوشی مزاج، فدوی از ساری الی دارالخلافه را به چاپاری آمد، ممکن نشد که کفات ومحسنات آن راه را به تفصیل ذکر نماید»<sup>۲</sup>.

نسخه‌ای از این سفرنامه که مورد استفاده مصحح محترم قرار گرفته است «نسخه منحصر به فرد بوده و در کتابخانه ملی ایران به شماره ۸۸۶/ظ ف موجود است. خط آن شکسته نستعلیق و ساده می‌باشد». هر صفحه‌های نسخه شامل یازده سطر است و ایراد عمده‌ای که بر آن وارد است ناخوانا بودن بعضی از لغات و غلط بودن املاهای برخی از کلمات است که مصحح آن‌ها را به صورت رسم الخط امروزی در آورده است؛ «از آن میان است: دریای خضر (خزر)، بارووط (باروت) و مطر (متر)». علاوه بر این اسامی بعضی از رودها نیز از سوی بهلر به اشتباه درج گردیده که مصحح در پایان کتاب با استفاده از منابع مختلف صورت صحیح و امروزی آن‌ها را ذکر نموده است.

اما نسخه تصحیح شده این سفرنامه که موضوعات آن گزارش مورد نظر ما را تشکیل می‌دهد به استثنای متن اصلی که فاقد فهرست مطالب است - شامل یک مقدمه و شرح کوتاهی از زندگانی بهلر، در ابتدای کتاب، همچنین تعلیقات، فهرست اعلام و منابع و مآخذ در انتهای کتاب است که تمامی به قلم مصحح کتاب است.

سفرنامه بهلر ارزش‌های جغرافیایی، تاریخی و نظامی فراوانی دارد. ارزش جغرافیایی کتاب در آن است که بهلر در سفرنامه‌اش به اسامی رودها، سرچشمه، مصب، مسیرهای عبور، میزان عمق و محل تلاقی رودها با یکدیگر، اسامی کوه‌ها، انواع محصولات کشاورزی و صنایع دستی، چگونگی و نوع آب و هوا، اسامی امامزاده‌ها، تعداد خانوارها، وضعیت راه‌ها و عدم سرمایه‌گذاری دولت در این زمینه، نقاط استراتژیک، میزان بارندگی، انواع بیماری‌های رایج، نوع بناها، انواع حیوانات و درختان و... در هر منطقه اشاره نموده است که می‌تواند دستمایه‌ای برای پژوهشگرانی باشد که در زمینه جغرافیای ایران به تحقیق مشغولند.

به عنوان نمونه بهلر در توصیف منطقه گیلان می‌نویسد: «گیلان عموماً مملکت پرمفعتی است و از قبیل ماهی و برنج و زیتون و ایریشم و اشیل<sup>۳</sup> ماهی در آن وفور دارد. و درخت‌های جنگلی میوه‌دار و غیره، در آن بسیار است. و خانه‌های رشت تفاوت بسیار با خانه‌های سایر ممالک ایران دارد. مثل آنکه خانه‌های رشت جمیعاً از چوب و تخته است و

که در عصر ناصری از رتبه استادی دارالفنون به درجه سرتیبی در ارتش ایران تایل آمد.<sup>۴</sup>

از آن جایی که به کارگیری مستشاران نظامی مسئله‌ای سیاسی محسوب می‌شد و ماده پنجم عهدنامه ایران و انگلیس (۱۳۲۹ هـ. ق. / ۱۸۱۳ م.) نیز معطوف به همین موضوع بود، به همین دلیل استخدام بهلر فرانسوی که در جنگ دوم هرات نیز خدمات شایانی به قشون ایران کرده بود، مورد تنفردولت انگلیس بود. لذا سعی در حذف وی از ارکان ارتش ایران داشتند. به گونه‌ای که این معنی در گزارش رسمی حسن علی خان گروسبی در مذاکره با هنری راولینسون<sup>۵</sup>، سفیر انگلیس به خوبی آشکار است. راولینسون به تفریح گفت: «اگر چه دولت ایران را به دوستی با سایر دول متع نمی‌کنیم، اما نباید دولت دیگر را بر ما ترجیح بدهند یا کسی را با ما هم چشم قرار دهند. مثلاً می‌بیند که شما از برای تعلیم عساکر خود از فرانسه معلم برده، متعلمین خود را به پاریس فرستاده... و خرید اسباب و اسلحه خود را منحصر به پاریس کرده‌اید و موسیو بهلر را که از اهل فرانسه است محل اعتماد خود قرار داده برای استحکامات سرحدیه خود فرستاده‌اند».<sup>۶</sup>

با این وجود هنگامی که دولت ایران فرخ خان امین‌اندوله

سفرنامه بهلر<sup>۱</sup> معروف به جغرافیای رشت و مازندران شرح سفری است که موسیو بهلر فرانسوی سرتیب دربار ناصرالدین شاه نوشته و از خود به یادگار گذاشته است.

در مورد شرح زندگانی بهلر اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما در برخی از منابع به صورت پراکنده نامی از او به میان آورده‌اند: هنگامی که میرزا تقی خان امیر کبیر مصمم به تاسیس دارالفنون گردید، بر آن شد تا با استخدام استادان اروپایی چرخ‌های آن را به گردش درآورد. از جمله استادانی که در دوره اول به استخدام دولت ایران درآمد، موسیو بهلر فرانسوی بود.

بهلر از فارغ التحصیلان مدرسه «پلی تکنیک» پاریس بود و در سال ۱۲۶۹ هـ. ق. / ۱۸۵۳ م. به تهران وارد شد و پس از مرگ زانی<sup>۲</sup> که مهندس و معلم حساب و هندسه بود به جای وی در دارالفنون مشغول به تدریس شد و به دلیل تسلط کاملی که بر علوم حساب و هندسه، نقشه‌کشی و تکنیک لشکرکشی داشت، موفق به انتشار کتاب‌هایی در این زمینه گردید که در همان دوران از سوی عبدالرسول خان و جعفر قلی خان ترجمه و به‌دست چاپ سپرده شد.

بهلر با استفاده از تجربیات خود در کمال تدبیر و صداقت خدمت به ایران را پیشه خود ساخت<sup>۳</sup> و به پاس خدمات وی بود

هنگامی که میرزا تقی خان  
امیر کبیر مصمم به تاسیس  
دارالفنون گردید، بر آن شد تا با  
استخدام استادان اروپایی چرخ‌های  
آن را به گردش درآورد. از جمله  
استادانی که در دوره اول  
به‌استخدام دولت ایران درآمد،  
موسیو بهلر فرانسوی بود

بهلر با استفاده از تجربیات خود  
در کمال تدبیر و صداقت، خدمت به  
ایران را پیشه خود ساخت و به پاس  
خدمات وی بود که در عصر ناصری  
از رتبه استادی دارالفنون به درجه  
سرتیپی در ارتش ایران نایل آمد

از متن سفرنامه: «این بنده درگاه،  
موسیو بهلر، سرتیپ و مهندس  
دولت علیه در سفر و ماموریت‌از  
دارالخلافه الی رشت و انزلی و  
کناردریا و مرداب، الی مازندران و  
استرآباد و رود گرگان از آق قلعه  
الی خواجه نفس و گمش تپه دیده و  
از روی دقت رسیدگی کرده و حال  
که مراجعت نموده  
معروض می‌دارم»



بهلر و جمعی از همراهان

گیلان وفور دارد واقسام آن بدین موجب است: قزل‌آلا،  
سگ ماهی، سفیدماهی، آزادماهی، ماهی سیم و سایر اقسام  
آن و زراعت آن مملکت اکثر برنج است.»<sup>۱۱</sup>  
ذکر نام بانی برخی از قریه‌ها، بل‌ها، حاکمان مناطق مور،  
بازدید وی، اقدامات عمرانی شاه عباس اول صفوی در برخی از  
شهرهای شمالی ایران، کوچاندن خانواده‌های ترکمان از سوی  
اقامحمدخان قاجار به نکندلیل ویرانی بعضی از قریه‌ها با  
وسیله ترکمانان، باجگاه و انواع یاغی‌گری‌های این قوم،  
سیاست‌های نظامی و اقتصادی روس در مناطق شمالی ایران  
و قدرت قوای بحریه آن، در این مناطق و از همه مهم‌تر دلیل  
ایجاد استحکامات نظامی از سوی این دولت در جزیره آشوراده  
و تحلیل قضایای مربوط به آن، کوچاندن «افاغنه» توسط  
نادرشاه افشار بهقراتپه، کوچاندن ایل «عبدالملکی» ساکن در  
شیراز بهمحال نور و از آن جا به دلیل اقدام آنان، به زدنی  
بهقرامی که در دهنه میان کاله‌سر توسط میرزا آقاخان نوری  
همین منظور بنا شده بود و... از سوی بهلر از جمله‌فوائد  
تاریخی سفرنامه وی است.

در بعد نظامی، از آن جایی که بهلر وابسته نظامی دولت  
ایران بوده است بنابراین وی هر ناحیه را با توجه ویژه‌گی‌های

ناخوشی نوبه و تب و لرز همیشه اوقات در این شهر فراوان  
است و این مرض موقوف و بسته به گرمی هوا می‌باشد. هر  
قدر هوا گرم‌تر می‌شود نوبه فراوان و بیشتر است. و درد گوش  
زیادتر از از درد چشم. درخت‌های بی‌ثمری که در این مملکت  
به هم می‌رسد بدین موجب است: درخت بلوط، زبان گنجشک،  
درخت چنار، سفیدار، شجرالنبح، سرو، شمشاد، بید، قطران،  
آزاددرخت گز و درخت ابریشم. و درخت‌های با ثمری کمبویه  
آنها خوردنی است می‌باشد به موجب تفصیل است: آلوبالو،  
انجیر، انار، زالزاک، گردو، سیب، ازگیل و انگور.

و علاوه بر اینها نباتات جنگلی نیز بسیار یافت می‌شود.  
و درخت‌هایی که دستی می‌نشانند از این قرار است: توت، زیتون،  
زردآلو و غیره، آلوبالو، نارنج و لیمو، بهمانجیر، انار، ازگیل،  
گردو، هلو، سیب، گلابی، انگور، نیشکر، تبریزی و چنار.  
و حیوانات صحرایی و جنگلی که در این مملکت به هم  
می‌رسند از قرار مذکور است: خرس، کفتار، بوز، پلنگ، و شق،  
گرگ، روباه، خوک، گوزن، گاو کوهی، خرگوش، شغال، تیرکنه،  
گریه و غیره. و حیوانات پرنده‌انجا از این قرار است که همه  
شکاری هستند: غاز، اردک صحرایی، قرقاول، کبک، بلدرچین،  
کلنگ، ماهی‌خوار، لاش‌خوار، لک‌لک و قو. و ماهی نیز در

دو مرتبه ساخته شده است و سفال‌پوش می‌باشد و اطراف آن  
غلام گردش چوبی دارد و طرهمای بلند از چوب بر آن عمارات  
کوبیده‌اند. و اکثر اوقات شدت گرمای هوای رشت مقدار  
بیست و هشت درجه به راهور است و نهایت کمی آن یک  
درجه است، و قوت شدت باد در رشت مثل نسیت یک است  
به هزار و صد و نهایت کمی آن مثل چهار است به بیست  
و چهار. و طرف باد اغلب شمال و مابین مشرق و شمال است.  
و در یک سالی اتفاق چنین افتاد که یک صد و هیجده روز  
بارندگی شد. سی روز آن هر روزی نیم ساعت می‌بارد و هشتاد  
و هشت روز دیگر را هر شصت و یک بارندگی شد بیشتر از نیم  
ساعت. و در عرض آن سال ملاحظه کردند شش روز برف و  
باران با یکدیگر مخلوط می‌بارید و به همین نسبت در عرض  
سال بارندگی در آن مملکت می‌شود.

و ناخوشی منامی که در آن ولایت است بدین موجب است  
که اظهار می‌شود: وجع المفاصل، فتق، رطوبت معده، استسقاء،  
طپش قلب، اندروب، جرب‌پایس، درد دندان و از این قبیل  
الی غیرالتهایه. و ناخوشی‌هایی که در آنجا استمراری ندارد و بر  
حسب اتفاق و ندرت واقع می‌شود از قرار تفصیل ذیل است:  
خوره، اقلیج، ناخوشی‌های صرع و جوع. از اینها گذشته

استراتژیکی آن مورد بررسی قرار داده و در نهایت کلیه اقداماتی را که برای مقابله با لشکریان روسیه و نیز ترکمانان ضروری بوده ذکر کرده است.

دقت نظر وی در این کار به گونه‌ای است که حتی میزان هزینه ساخت استحکامات و بناهای تدافعی و جاده‌های عبور توپخانه را برای دولت ایران تخمین زده است:

«نمره اول: باید بنا نمود یک قلعه آجری که مرکب از شش فرونت باستیان باشد در محل انزلی که طرف دریا و دهنه‌ی مرداب را حفظ و حراست نماید و خرج او تخمیناً هفتاد و دو هزار تومان است»<sup>۶</sup>.

نکته جالب توجه این که بهلر برای ختم غالب‌ترکمانان نسخه‌ای برای دولت ایران تجویز می‌کند که همواره در طول تاریخ ایران برای جلوگیری از تهاجم و شورش اقوام صحراگرد مورد استفاده قرار گرفته است: «توبعد از ساختن مراتب مسطوره و اتمام بناهای مزبوره و اطاعت آن جماعت و طایفه [ترکمانان] باید به قدر نصف آن‌ها را از محل مسکن و نشیمن خودشان کوچانیده به اطراف و اکناف ولایات ممالک محروسه ایران پراکنده و متفرق نمود و مسکن داد. و در عوض آن‌ها از سایر ولایات، رعیت به مقام آنها فرستاد»<sup>۷</sup>.

علاوه بر این‌ها سفرنامه بهلر اطلاعات سودمند و مهم دیگری هم در مورد وضع نیروهای نظامی ایران در عصر ناصری به ما منتقل می‌کند. این اطلاعات به گونه‌ای است که سفرنامه وی را تا اندازه زیادی از دیگر سفرنامه‌های این عصر متمایز می‌سازد. هنگامی که بهلر در توصیف توپچیان و نیروهای نظامی ایران مستقر در انزلی می‌نویسد:

«توپچیان و اهل نظام آنجا به هیچ‌وجه اسلحه و لباس ندارند و به نوعی حرکت می‌نمایند و راه می‌روند که احدی نمی‌تواند آنها را از گدا و سائل فرق و تمیز دهد. و برای گذران خود تمام اسباب و ملزوماتی که داشتند به گرو گذاشتند. زیرا که مدتی است که جیره موافق به آنها نرسیده است و باقر سلطان نام که توپچیان آنجا به او سپرده می‌باشند، نهایت بدسلوکی رابه آنها می‌نماید و با آنکه از عمل نظام به کلی بی‌خبر است و در احوال آنها به هیچ‌وجه مراقبت ندارد...»<sup>۸</sup> بررسی این قسمت ما را با وضع اسفبار نیروهای نظامی ایران آشنا می‌سازد. لذا مقایسه این وضع با وضع نیروهای ارتش روسیه که «سربازهای آنها بسیار پاکیزه تمیزند و جیره و مواجب آنها را زود به زود می‌دهند و به قدری آذوقه دارند که از مصرف خودشان زیادتر است... و هر یک از آنها تفنگی دارند که به قدر یک هزار و صد ذرع از محل قراول آن می‌زنند. و مریض‌خانه آنجا مشتمل است بر بیست خوابگاه و رختخواب که همه پاک و باصفا هستند... و چنانچه ناخوشی صعبی به جهت آنها عارض شود فوراً آن مریض را به بادکوبه می‌فرستند و...»<sup>۹</sup> و پی‌بردن به تفاوت‌های ارتش دو کشور، می‌تواند تا اندازه زیادی بیانگر دلایل شکست‌های نظامی ایران از روسیه و بی‌کفایتی سردمداران نظام خودکامه قاجاری باشد. از سوی دیگر درک محسوس این تفاوت ما را با عباس میرزا نایب‌السلطنه و فرمانده‌قوای ایران همدرد می‌سازد. هنگامی که خسته و ناتوان از رویارویی، با امپراتوری نیمه اروپایی روسیه تزاری از ژوبیر سفیر ناپلئون بناپارت در دربار فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ه. ق.) می‌پرسد: «... نمی‌دانم این قدرتی که شما اروپایی‌ها را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف

## سفرنامه بهلر معروف به جغرافیای رشت و مازندران شرح سفری است که موسیو بهلر فرانسوی سر‌تیب دربار ناصرالدین شاه نوشته و از خود به یادگار گذاشته است

### در بعد نظامی، از آن جا که بهلر

### وابسته نظامی دولت ایران بوده است

### بنابراین وی هر ناحیه را با توجه به

### ویژگی‌های استراتژیکی آن مورد بررسی

### قرار داده و در نهایت کلیه اقداماتی را که

### برای مقابله با لشکریان روسیه و نیز

### ترکمانان ضروری بوده، ذکر کرده است

### سفرنامه بهلر اطلاعات سودمند و مهم

### دیگری هم در مورد وضع نیروهای

### نظامی ایران در عصر ناصری به ما منتقل

### می‌کند. این اطلاعات به گونه‌ای است که

### سفرنامه وی را تا اندازه زیادی از دیگر

### سفرنامه‌های این عصر متمایز می‌سازد

ما و ترقی شما چیست؟ شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و بکار بردن تمام قوای عقلیه متبحرید و حال آن که ما در جهل و شغب غوطه‌ور و به ندرت آینه را در نظر می‌گیریم.

مگر جمعیت و حاصلخیزی و ثروت و مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به مامی تابد تاثیرات مفیدش در سر ما کمتر از سر شماست؟ آیا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی‌کنم. اجنبی حرف بزن! بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم»<sup>۱۰</sup>.

ختم کلام این که سفرنامه بهلر علی‌رغم حجم بسیار اندک آن<sup>۱۱</sup> حاوی نکات ارزنده و بسیار ظریفی درباره اوضاع ایران در عصر ناصرالدین شاه می‌باشد. اگر چه خود مؤلف بر جنبه «نظامی» سفرنامه‌اش تاکید دارد.

پی‌نوشت‌ها و توضیحات:

#### 1) Bohler

۲) «زاتی اطریشی: مهندس نظام و معلم ریاضیات بود، ترجمانی او را میرزا ملکم به عهده داشت... زاتی مردی عصبی مزاج بود، به همین علت خلاقی از او سر زده بود که خواستند به خدمتش خاتمه دهند. در ۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۰ در گذشت و او را در کلیسای ارامنه در محله دروازه به خاک سپردند. چنین اتفاقی افتاد که در همان روزها «کارتنا» نیز

مرده بود، از این رو سوءظنی راجع به مرگ او پیدا شد. و به امر شاه پزشکان فرنگی انجمن کردند.

همگی استشهد نوشتند که: «از بخار زغال یا ناهتی که در وجود او بوده، خفه شده».

(آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۸، ص ۳۵۸).

۳) همان، ص ۳۵۸.

۴) بهلر: سفرنامه بهلر، به کوشش علی‌اکبر خداپرست، تهران: توس، ۱۳۵۶، ص ۷.

۵) این ماده می‌گوید: «هر گاه اولیای دولت علیه ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام از فرنگ معلم به ایران بیاورند، مختارند که از مملکتی از ممالک فرنگ که با دولت بهیه انگیزه نزاع و جدال نداشته باشد، معلم بگیرند».

(آدمیت، پیشین، ص ۲۸۴).

#### 6) Henry Rawlinson

۷) آدمیت، پیشین، ص ۲۸۴ و نیز بنگرید به: محبوبی‌اردکانی، حسین: تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، جلد اول، ص ۲۷۲.

۸) بهلر، پیشین، ص ۸.

۹) همان، ص ۱.

۱۰) همان، ص ۷۴.

۱۱) همان، ص ۴.

۱۲) همان، ص ۴.

۱۳) در گیلان «اشیل Ashbal, Ashbol» و در مازندران Eshbel گویند که همان تخم ماهی است. (همان، ص ۲۶).

۱۴) همان، صص ۱۵-۱۳.

۱۵) بهلر در این مورد می‌نویسد: «لهدنا روس در آنجا- آشوراده- اوضاعی فراهم آورده است که منظور پولتیک اوست.

ولی چنان فهمانده است که به جهت دفع و رفع ترکمانان است و در هر جا به این اسم شهرت داده است و مردم چنین می‌گویند

که روس در آنجا قلعه ساخته که اسباب و اثوات جنگ در آنجا فراهم می‌آورد. و این قول بسیار خلاف است و این طور نیست.

زیرا که هر گاه بخواهد منازعه کند با یک کشتی جنگی و قشون بحری هم می‌تواند با دولت علیه جنگ کند به نوعی که

محتاج به آنجا هم نباشد، بلکه میل او این بود که یک قطعه زمینی در آن محل داشته باشد تا به رعایا و مردم خاطر نشان

کند این معنی را که من می‌توانم با دو بیست نفر سرباز رفع صدمه ترکمان را بکنم و حاکم استرآباد با پانزده هزار نفر نتوانست شر آنها را کوتاه کند و از عهد آن برآید. و گرفتن آن

قطعه زمین از آنها ممکن نمی‌شود. زیرا که حاجی میرزا آقاسی به آنها واگذار کرده است».

(همان، صص ۶۵-۶۴).

۱۶) همان، ص ۲۲.

۱۷) همان، ص ۵۹.

۱۸) همان، ص ۲۱.

۱۹) همان، ص ۶۷.

۲۰) به نقل از: حائری، عبدالهادی: نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸.

۲۱) متن اصلی «سفرنامه بهلر» دارای ۷۴ صفحه است.